

گفت‌وگو

مجید زارع، امدادگر مشهدی که از ورزش جودو به هلال احمر رسیده است

نزدیک بود یکی از قربانیان زلزله بم شوم

همسر در زمینه امداد و کمک‌های اولیه داشتند، تصمیم گرفتیم با گروهی از افراد علاقه‌مند در فامیل جمع شویم و دو روز در هفته را با مربیگری من کلاس برگزار کنیم. اتفاقاً این کلاس‌ها با نظم و جدیت خوبی دنبال شد و همه اعضای کلاس توانستند بحث امداد و کمک‌های اولیه را به صورت کامل یاد بگیرند، باید بگویم این کلاس اثرات خیلی خوبی هم داشت. مهم‌ترین اثر آن نجات بعضی از اطرافیان شاگردهایم بود که به‌خاطر اطلاعاتی که در همین کلاس‌ها کسب کرده بودند توانستند جان انسانی را از مرگ نجات دهند.

پیشنهادی برای بهبود عملکرد هلال احمر دارید؟

من فکر می‌کنم نجاتگران و امدادگران ما باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند. مثلاً آنهایی که سال‌ها در جمعیت زحمت کشیده‌اند و حالا در شرایط خاصی از زندگی خود هستند و می‌خواهند تشکیل زندگی بدهند و یک امنیت شغلی داشته باشند، باید توسط عزیزانی که در رأس جمعیت هلال احمر کشور هستند، حمایت بیشتری شوند. با این حمایت، تعهد آنها هم به جمعیت بیشتر می‌شود و می‌توان گفت تلاش‌ها و زحمتهایی که هلال احمر صرف آموزش آنها کرده است، از بین نمی‌رود. البته اقداماتی که به‌تازگی در خصوص آزمون استقامتی انجام شده، بسیار ستودنی است، با برگزاری این آزمون خیلی از امدادگران سابقه توانستند جذب جمعیت شوند. امیدوارم این تلاش‌ها ادامه‌دار باشند تا امدادگران سابقه و متعهد ما بتوانند در جایگاهی که باید باشند ادامه مسیر بدهند.

نزدیک بود یکی از قربانیان زلزله بم شوم

زمانی که زلزله بم اتفاق افتاد، من جزو تیم‌های اولی بودم که در هیأت امدادگران هلال احمر به منطقه زلزله‌زده اعزام شدم. محله‌ای که ما فعالیت می‌کردیم، در بافت قدیمی شهرستان بم قرار داشت که دلیل کارش شروع کار به خانه بزرگ و ویلایی زنی رفته بود. یک قسمت آن به کلی ویران شده بود. زن که بچه‌های خودش را در خانه ویران شده می‌کرد بود، حال اشفته و غریبی داشت و مدام وسایل خانه‌اش را که در حیاط ریخته بود، زیر رو می‌کرد و دنبال بچه‌هایش می‌گشت. او در تمام مدت حضور ما در آنجا، دست از جست‌وجو بر نمی‌داشت و وقتی دلیل کارش را از او پرسیدیم، گفت دو تا از بچه‌هایش در خانه هستند و او منتظر آمدن آنهاست. زن نمی‌خواست مرگ آنها را قبول کند و به‌خاطر ترس از مواجه شدن با حقیقت به داخل خانه پا نمی‌گذاشت. حال روحی او آن قدر وخیم بود که ما تصمیم گرفتیم هر طور شده به خانه برویم و بچه‌هایش را پیدا کنیم. چند ساعتی گشتیم اما اثری از بچه‌ها نبود، تا این که تصمیم گرفتیم به داخل زیرزمین خانه برویم که تنها راه ورودی آن یک پنجره کوچک بود. من و چند تا از دوستانم از آنجا، زیرزمین رفتیم اما موقع بیرون آمدن از آنجا، وقتی همه دوستانم از زیرزمین خارج شدند و من به‌عنوان نفر آخر می‌خواستم با کمک دوستم از داخل پنجره بیرون بیایم، پس‌لرزه شدیدی اتفاق افتاد و کل زیرزمین زیر آوار رفت. نمی‌دانم چطور شد که من همراه آوار همین مسقوط نردم؛ فقط وقتی به خودم آمدم دیدم که دوستان دوستم را محکم گرفته و از مرگ نجات پیدا کرده‌ام. می‌توانم بگویم که نجات من در آن وضع یک معجزه بود و می‌دانم که دعاهای آن مسادر داغدار برای ما که در تمام طول کار به گوش‌مان می‌رسید، علت زنده ماندن من بود. دعاهایی که از سوز درونش برمی‌آمد و من هرگز آن صدای حزن‌آلود را فراموش نمی‌کنم.



مرضیه کاویانی | مجید زارع ۲۰ سال است که در هوای هلال احمر نفس می‌کشد! این امدادگر مشهدی ۳۶ ساله، در ۱۶ سالگی با عضویت در تیم جودو هلال احمر با این جمعیت آشنا و از همان موقع به‌قدری به حوزه‌های امدادی علاقه‌مند شده که حالا یکی از مربیان باسابقه هلال احمر خراسان رضوی است. مجید در دانشگاه هم مدیریت امدادونجات در سوانح خوانده و چند وقتی می‌شود که در همین حوزه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی استخدام شده است. این مربی پرتلاش به غیر از تخصص در رشته‌های آوار، سیلاب و کمک‌های اولیه، در رشته‌های غواصی و پاراگرایدر هم تخصص دارد و چند سال است که در مسابقات کشوری رفاقت مهر در سازمان جوانان هم عضو گروه داوران است.

اما غیر از امدادگری، در زندگی مجید زارع یک نقطه روشن دیگر هم وجود دارد. نوری که به زندگی او برکت بخشیده و آن افتخار خادمی حرم امام رضا علیه‌السلام است که یک روز در هفته نصب این امدادگر خراسانی می‌شود و به قول خودش همین یک روز در هفته، تمام زندگی شخصی و کاری او را بیمه کرده است.

از آشنایی تان با هلال احمر برای مان بگوئید.

آشنایی من با هلال احمر از ورزش جودو شروع شد. من از نوجوانی به‌صورت حرفه‌ای جودو کار می‌کردم و در سال ۷۷ به‌عنوان ورزشکار جمعیت هلال احمر در لیگ دسته یک عضو تیم جودو هلال احمر خراسان رضوی شدم. بعد از آن و با بودن در محیط هلال احمر به واسطه همین فعالیت‌های ورزشی، به حوزه‌های امدادی علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم دوره‌های امدادی را بگذرانم. همین شد که از سال ۷۸ به‌عنوان امدادگر وارد حوزه امداد و با گذراندن دوره‌های تخصصی در پایگاه‌های امدادی مشغول به کار شدم.

هلال احمر برای شما فقط یک تیم ورزشی بودا چه شد که در این عرصه ماندگار شدید؟

من از وقتی به‌خاطر دارم به بحث‌های امدادی علاقه داشتم. شاید خدا می‌خواست که با عضویت در تیم ورزشی هلال احمر، علاقه اصلی ام را پیدا کنم. مخصوصاً بعد از اینکه دوره‌های امدادی را گذراندم علاقه من به این حوزه بیشتر و بیشتر شد، طوری که دوره‌های نجات را تا رده‌های بالا طی کردم و درحال حاضر مربی سه رشته آوار، سیلاب و کمک‌های اولیه هم هستم.

در این ۲۰ سال از کار امدادی خسته نشده‌اید؟

همه عملیات‌های امدادونجات سخت هستند. این که در سرما و گرما، در بی‌آبی و بی‌غذایی و در شرایط سخت دوری از خانواده به عملیات می‌رویم، در ظاهر خیلی سخت هستند اما تفاوت این سختی در کار امدادونجات این است که باطن شیرینی دارد و همه آن سختی‌ها و خستگی‌ها با نجات جان یک نفر تبدیل به شیرینی می‌شود و خستگی را تن انسان درمی‌آورد. احساس وصف‌نشدنی تمام‌کردن یک عملیات موفقیت‌آمیز را تنها یک امدادگر می‌داند و همین موفقیت‌ها انگیزه ما امدادگران را برای ادامه کار بیشتر و بیشتر می‌کند.

شنیده‌ایم که شما یک کلاس آموزشی امدادی در خانواده‌تان تشکیل داده‌اید! بله! با توجه به شعاری که جمعیت هلال احمر دارد و می‌گوید که برای هر خانواده یک امدادگر لازم است، ما تصمیم گرفتیم این شعار را از خانواده خودمان شروع کنیم. به‌خاطر علاقه و انگیزه‌ای که خانواده

(تابستانه و زمستانه)، کیسول اکسیژن، گنج اکسیژن (دیمن وال)، کفش غواصی (فین)، اشنوگل، فشارسنج، قطب‌نما، ساعت، دستکش، ماسک، کلاه، جوراب، خنجر.

ج-۹: تجهیزات کوهستان (کوه‌نوردی، سنگ‌نوردی): تجهیزات کوه‌نوردی: کوله‌پشتی (یک‌روزه، چندروزه)، کیسه‌خواب، کفش (از مدل سبک کوه‌پیمایی تا مدل سنگین جهت برف)، کفش کوه اسکی، لباس پر (کت، شلوار، جوراب و دستکش)، لباس گرتکس، کلاه بوران، عینک (بوران و برف)، کلنگ، گرامیون، مینی گرامیون، پانتجو، گتر، چادر، چراغ قوه، قطب‌نما. انسان‌ها در طول حیات خود همواره در معرض خطرات و حوادث بوده‌اند. گسترش شهرنشینی، پیشرفت علم و صنعت گرچه باعث افزایش حوادث شده اما توانایی انسان را در پیشگیری و رویارویی با حوادث نیز افزایش داده است. حوادثی که سالانه جان هزاران نفر را در دنیا می‌گیرند، به چندین هزار نفر آسیب وارد می‌کنند و هزینه‌های بسیاری را به جوامع وارد می‌کنند. حوادث چون دشمنی قهار تمامیت ارضی و کبان ملی کشورها را تهدید می‌کنند و جان انسان‌ها را می‌گیرند. لذا همه دولت‌ها برای حفظ امنیت و سلامت شهروندان و جامعه می‌کوشند توان خود را در برخورد با حوادث افزایش دهند تا هنگام حادثه بتوانند از جامعه و کشورشان دفاع کنند. کمک به آسیب‌دیدگان و بازماندگان حوادث جدای از وظیفه انسانی که برعهده همه (هم دولت و هم ملت) است، نقش بسزایی در تأمین امنیت و سلامت جامعه دارد. ضمن این که کمک‌رسانی به‌موقع و اصولی نقش مهمی در کاهش تلفات و عوارض این حوادث و نقش بسزایی در کاهش هزینه‌های بعدی دارد.

حوادث کشور ما

کشور ما یکی از کشورهای حادثه‌خیز دنیاست. هر ۲۵ دقیقه یک نفر در اثر تصادفات شهرداری می‌میرد. روزانه صدها نفر در تصادفات شهری و جاده‌ای گرفتار می‌شوند. هر سال صدها نفر در آب‌های کشور غرق می‌شوند. مرتب اخبار مشکلات و مرگومیر کوه‌نوردان شنیده می‌شود. قرار گرفتن ایران روی خط زلزله باعث شده تا هزار گاهی زلزله‌های مهیب بخشی از کشور را بلرزاند. همه‌ساله روستاها و شهرهای بسیاری از کشور ما در معرض سیل قرار دارند. به همه اینها باید خودروها و جاده‌های غیراستاندارد و ناپایم، ساختمان‌های غیرمقاوم، ساخت‌وسازهای غیراصولی... را نیز اضافه کرد. یاری رساندن به کسانی که در اثر حادثه نیازمند کمک هستند را امداد گویند، مثل دادن غذا و اسکان بازماندگان زلزله. به مجموعه اقداماتی که برای رهایی و خروج یک مصدوم از صحنه حادثه انجام می‌شود، نجات می‌گویند، مثل خارج کردن مصدوم از میان لاشه خودروهای تصادفی، نجات یک نفر از زیر آوار، نجات یک مصدوم از صحنه حادثه پیدا کردن کسی که غرق، همه و همه عمل‌هایی از امدادونجات هستند. امدادونجات شاخه‌های مختلفی دارد از جمله: آب و سیلاب، آوار، جاده و کوه.

اهمیت امدادونجات در حوادث

هنگام بروز حادثه تعدادی از افراد در دم جان می‌دهند اما عده‌ای نیز زنده می‌مانند ولی در صحنه حادثه درگیری می‌شوند، مانند کسانی که بعد از زلزله زیر آوار می‌مانند یا کسانی که زیر بوم‌ها مدفون می‌شوند... مهم‌ترین کار بعد از حادثه دسترسی به این افراد و خروج آنها از صحنه حادثه است. قبل از این که جان‌شان را از دست بدهند و بدون این که آسیب جدیدی ایجاد شود که این وظیفه نیروهای امدادی است. همان‌گونه که می‌بینید زمان در کار انجام این وظیفه نقش مهمی دارد. نیروهای آموزش‌دیده و مجهز در کاهش تلفات و عوارض حوادث نقش بسزایی دارند و بسیار تأثیرگذارند.

سامانه مدیریت سانحه: IMS Incident Management System

سامانه‌ای یکپارچه است که در تمام سطوح کشوری (تحت‌عنوان NIMS)، استانی، شهری، محلی و سازمانی قابل اجرا است و در سوانح و بلایا، بدون توجه به علت، اندازه و پیچیدگی آنها همه سازمان‌ها را به شکلی موثر و کارآمد برای پیشگیری، ایجاد آمادگی، ارایه پاسخ و بازگشت به حالت طبیعی، هم‌راستا می‌کند. این سامانه در شرایط اضطراری (بحران)، فرماندهی ستادی را تشکیل می‌دهد که در EOC یا مرکز عملیات اضطراری مستقر می‌شود.

سامانه فرماندهی سانحه:

سامانه و سازوکاری عملیاتی و اصطلاحاً میدانی شامل ساختار سازمانی، برنامه، تجهیزات، دستورالعمل‌های عملیاتی استاندارد شده که مأموریت آن در زمان پاسخ بوده و پست آن (ICP) در نزدیکی منطقه سانحه‌دیده جهت انجام اقدامات میدانی به منظور ارایه خدمات فوری، نجات، امداد، کنترل خسارات وارده بر تأسیسات حساس و محیط‌زیست و نیز ارایه سایر خدمات پشتیبانی به حادثه‌دیدگان در صحنه عملیات استقرار می‌یابد.

برنامه برای بلایه (بحران):

برنامه (DP) Disaster Plan قسمتی از برنامه‌ریزی استراتژیک یا راهبردی یک سازمان / جامعه که در آن اشاره‌های اجمالی و کلی به برنامه‌ها، فعالیت‌ها و روش‌های مدیریت بحران در تمام ابعاد آن (پیشگیری، کاهش آثار مخاطرات، آمادگی، مقابله و بازسازی) شده است.



از ۱۵ تا ۶۵ تن را از زمین بلند می‌کنند)، انواع جک‌های بزرگ بالا برنده، دستگاه‌های زنده‌یاب: (مدل اورتانگسگرات یا ۸۰۸۲، مدل اوربیفون ORBIPHON)).

ج-۵: ابزار آکیتری و ابدهی: این دسته از وسایل جهت تخلیه یا انتقال آب و مواد مایع دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. پمپ‌های (آبکش، لجن کش، کف کش و اسیدکش)، شلنگ‌های رابط از معمولی تا فشار قوی، آکاتور، تانکرهای آب از مخازن ۹۰۰ لیتری ثابت تا ۵۵ هزار لیتری چرخدار و ۲۵ هزار لیتری شناینی.

ج-۶: ابزار تعمیر سبک: جعبه ابزار کامل، کابل‌های رابط، بکسل (طنابی، سیمی و نواری). ج-۷: ابزار اطفای حریق: خاموش‌کننده‌های دستی: (پودر و هوای خشک، پودر و گاز، گاز CO2، کف-هالوژنه، آب و گاز)، تپوی نسوز، سطل آتش‌نشانی، انواع سیستم‌های ثابت اطفای حریق و اعلام خطر حریق. ج-۸: ابزار غواصی: لباس کامل ضدفشار

(سبک)، تیر (کوچک و بزرگ)، تیر چندمنظوره، تالیور، جک، طناب نجات، پلکان تاشو، قیچی فولادبر، بیسل، بیلچه امدادی، کلنگ، سمبه، اره آهن‌بر و قلم تیزبر.

ج-۴: ابزار نیمه‌سنگین دستیایی به مصدوم: این دسته از ابزار کارایی بسیار بالایی را جهت انجام عملیات‌های رهاسازی و نجات

دارند، ولی تمام آنها معمولاً برحجم بوده و حمل آنها نیاز به خودروهایی جداگانه‌ای به‌جز آمبولانس دارد که به آنها خودروهایی نجات می‌گویند. ابزار هیدرولیک: (موتور، جک، فک، قیچی و شلنگ‌های رابط)، ابزار برش یا سری برنال: (کیسول اکسیژن، کیسول گاز مایع، استیلین، کیسول گاز مایع، فندک، سری برش)، سنگ فرز، اره برقی یا بنزینی، ابزار جرقه‌زنی، دستی، تیر، چین بلاک، وینچ، اهرم زنجیری، قرقره ساده و مرکب، انواع قلاب، طناب پنبه‌ای و نخ، کیسه‌های نجات: (کیسه‌های ۷ تایی یا ۹ تایی، کیسول اکسیژن، شلنگ‌های رابط که

ج-۲: ابزار روشنایی: از دلایلی که باعث می‌شود ما نتوانیم طبق استانداردهای تعیین شده کار کنیم، برای تمام عملیات‌های پیش‌بینی این خصوصیات را انجام دهیم. چراغ قوه (با بطری و لامپ اضافی)، چراغ هالوژن، پروژکتور ثابت، پروژکتور دستی، پروژکتور مه‌شکن، هلالامپ (چراغ پیشانی)، چراغ روشنایی گازی، پیک‌نیک (با کیسول و توری اضافی) و چراغ روشنایی گازی بزرگ.

ج-۳: ابزار سبک دستیایی به مصدوم: این دسته از ابزار جهت عملیات رهاسازی و دستیایی به مصدوم مورد استفاده قرار می‌گیرند، از خصوصیات این ابزار می‌توان به فراوانی، قابل دسترس بودن، تعمیر و تأمین مجدد آسان، کم‌حجم بودن، قابل حمل بودن و کم‌هزینه بودن آنها اشاره کرد. دیلم (کوچک، بزرگ و متوسط)، پتک (سنگین و

سلامت، محیط‌زیست، نسل‌های آینده، سرمایه‌ها و خدمات جوامع که در آینده می‌تواند ایجاد شود. خطرپذیری، رابطه مستقیم با ماهیت مخاطره (شدت، وسعت و تواتر وقوع) و آسیب‌پذیری جامعه و رابطه عکس با کارایی مدیریت بحران و ظرفیت‌های (نقاط قوت) جامعه دارد.

کاهش خطرپذیری: Risk Reduction تمهیدات و راهبرد از پیش طراحی شده جهت ایجاد آمادگی (Preparedness) و کاهش آسیب‌پذیری (Vulnerability Lessen)، افزایش توانمندی (Capacity Building) یک جامعه و همچنین پیشگیری از حدوث مخاطرات (Prevention) و اینکه مخاطرات در صورت بروز، خسارات کمتری را از خود به جای گذارند (Mitigation).

پیشگیری: Prevention تمهیداتی که جهت جلوگیری از وقوع یا خسارات جانی و مالی مخاطرات اندیشیده و اجرا می‌شود، مثل احداث سد و ایجاد پوشش گیاهی جهت جلوگیری از جاری شدن سیل یا نصب دکل‌های ضدصاعقه روی سازه‌های بلند به منظور پیشگیری از خسارات ناشی از صاعقه یا به حداکثر رساندن تمهیدات یا ضریب ایمنی پرواز هواپیماها برای پیشگیری از سقوط.

کاهش آثار مخاطرات: Mitigation اقداماتی که طی آن چنانچه نتوان از حدوث سانحه یا بلایه جلوگیری کرد، در عوض بتوان آثار زیان‌بار و خسارت‌آور آن را به حداقل رساند، مانند مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و تأسیسات زیربنایی در مقابل زلزله، آمادگی‌های لازم از نظر برنامه‌ریزی، سازماندهی، آموزش و تمرین جهت مقابله به‌موقع و موثر با سانحه یا پاسخ کارآمد و کنترل موثر سانحه پس از حدوث آن. در برخی

فرانس‌ها، پیشگیری یا Prevention را زیرمجموعه Mitigation قلمداد می‌کنند و در تعریف Mitigation اینگونه بیان می‌دارند که عبارت است از تمهیدات و اقداماتی که یا از وقوع رخداد‌های خسارت‌بار جلوگیری می‌کنند یا در صرت وقوع از شدت و خسارات کاسته یا به‌طورکلی پیامدهای آن را به حداقل ممکن می‌رساند.

آمادگی: Preparedness وظایف و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده جهت ایجاد، حفظ و بهبود توانایی‌های جامعه یا سازمان به‌منظور پیشگیری، کاهش خسارات، محافظت، واکنش و بازسازی در سوانح و بلایا. اقداماتی از قبیل برنامه‌ریزی، سازماندهی، تجهیز، آموزش، تمرین و مانور و نهایتاً بازنگری و به‌روز نگهداری سیستم.

مقابله یا پاسخ: Response شامل اقدامات فوری و سیستماتیک حین سانحه جهت نجات جان انسان‌ها، حفاظت از اموال، دارایی‌ها، شریان‌های حیاتی و برآوردن نیازهای ضروری نظیر سرپناه، غذا، آب، بهداشت و امنیت است.

آمادگی جهت مقابله یا پاسخ: Preparedness for Response آن بخش از برنامه‌ریزی، سازماندهی، جذب، آموزش منابع انسانی، تجهیز و تمرین جهت پاسخ موثر به سانحه.

احیا، باز‌یابی، بهبود یا بازگشت به حالت طبیعی: Recovery ارایه، هماهنگی و اجرای خدمات و برنامه‌های بازتوانی، بازسازی و ترمیم مناطق آسیب‌دیده از سوانح و بلایا و اقدامات اساسی جهت بازگرداندن وضعیت اقتصادی، سیاسی، رفاهی، محیطی و